

## گالیله قسم خورد و توبه کرد ولی زمین

مردش خود را ادامه داد

در ۲۲ ماه ژوئن آینده که ژوئن ۱۹۴۸ مسیحی باشد ۳۱۵ سال از روز قسم خوردن گالیله منجم ایتالیایی میگذرد، چه ویرا در روز ۲۱ ژوئن ۱۶۳۳ در مبد مینرو شهر رم حاضر کردند تاتوبه کند، و از گفته خود که اقرار بحرکت زمین است عدول نماید. اینک لازم است بدو توضیحی داده و بعداً شرح توبه نمودن آن حکیم عالیقدر را بیان کنیم.

موضوع حرکت زمین در تاریخ علم سابقه دارد بطوریکه اولین مرتبه می گویند فیثاغورث دانشمند یونان قدیم متوجه بحرکت وضعه و انتقالیه زمین گردید، ولی چون دلیل علمی معکسی نتوانست بر مدعای خود اقامه کند علمای عصر تمکین وی ننمودند، اما بعضی از شاگردان وی مانند فیلاؤس پیروی عقیده استاد خود کردند.

پس از فیثاغورث که در قرن ششم قبل از میلاد مسیح میزیسته هر قدر مسائل علمی ترقی کرد اعتقاد بسکون زمین و مرکز بودنش قوی تر گردید تا آنکه در عصر هیپارک (ایبرخس) و بطلمیوس (۱۳۰ مسیحی) این مسئله از اصول غیرقابل تشکیک گردید، و بنای هیئت بطلمیوس بر این گذارده شد که: زمین مرکز تمام عوالم مادیست، و افلاک که هر یک جایگاه کوکبی یا کواکبی میباشند بگرد مرکز زمین میگردند، و زمین مانند زرده تخم مرغ یا قسمت داخلی پیاز فرض شد که افلاک بدانند توبهای پیاز یا فلک اطلس بشابۀ قشر خارجی تخم مرغ بآن احاطه دارد.

عموم علمای اسلام یعنی بزرگانیکه در ایران یا ممالک دیگر اسلامی پس از اسلام بظهور رسیدند پیروی همین عقیده کردند، و اصول هیئت بطلمیوسی را در معرفت بآسمان پایه و اساس قرار دادند.

جلال‌الدین محمد بلخی مولوی رومی صاحب مثنوی اشاره بعقیده بطلمیوس کرده آنجا که گفته است که:

چون حکیمک اعتقادی کرده است	کآسمان بیضه زمین چون زرده است
گفت سائل چون بماند این خاکدان	در میان این محیط آسمان
همچو قندیلسی معلق در هوا	نی بر اسفل می‌رود نی بر علا

و نیز راجع به اپیکور (ایقورس) فیلسوف یونان که حدس وجود قوه جاذبه رادر

نگاهداری اجرام فلکی زده بود چنین گوید در دنباله اشمار فوق که:

آن حکیمش گفت کز جذب سما  
از جهات شش بماند اندر هوا  
چون ز مقناطیس قبه ریخته  
در میان ماند آهنی آویخته  
و نیز اشاره برترید در عقیده ایپکور کرده میگوید که :  
آندگر گفت آسمان با صفا  
کی کشد درخود زمین تیره را  
بلکه دغمش میکند از شش جهات  
تا بماند در میان عاصفات

عقیده بسکون زمین طوری در میان ملل متمدنه قدیم راسخ گشت که کم کم جزء اصول مذهب گردید و قبل از اسلام متدینین مذهب مسیح را عقیده بسکون زمین از اصول مسلمه بود زیرا اگر بزرگانی مانند ارسطو و افلاطون و اذکس (اوذو کسس) قبل از ابرخس و بطلمیوس این راه را پیموده بودند، باینکه بعضی از شاگردان افلاطون مانند هراکلید و پونت (پنتیو کوس) زیر بار عقیده بسکون زمین نرفتند، و این قبول عامه فلاسفه یونان قدیم و این اکثریت مانع پیشرفت عقیده بحرکت زمین گردیده و حواریون و نزدیکان بعهد مسیح نیز که آشنا بنتایج افکار آن علما بودند، خاصه بذهب ارسطو در فلسفه اعتقادی بتمام داشتند اختیار عقیده بسکون زمین کردند و انجیل کتاب آسمانی را پیشوایان نصاری تبیین و تفسیر بقیده خود، که مرکز بودن زمین باشد کردند .

در فلسفه ارسطو حرکت یومیه کواکب نسبت بسکون ازض داده شد و دوران فلک - الافلاک بگرد زمین مقرر است، و عقیده ارسطو این بود که سیارات و ثوابت در ثخن افلاک کوبیده شده اند. و افلاک آنها که آسمانها باشند بگرد مرکز زمین میگردند، پس حرکت آنها با واسطه انجام میپذیرد. و برای فرار از اشکال دیگری میگفت که افلاک حاجب ماوراء نیستند و مانند کرات بلورین یکی برد دیگری محیط است .

هیبارک و بطلمیوس پیروان ارسطو بودند، بطلمیوس چون متبحر در ریاضیات بود بیشتر دقت در حرکات اجرام آسمانی کرد و ارضاد هیبارک را جمع آوری نموده بی نظمیهای که می یافت باین ریاضی حل میساخت و در واقع بطلمیوس و هیبارک هر دو را مؤسس اصول هیئت قدیم باید دانست .

متکلمین مذهب مسیح و حکمای مشاه نیز معتقد بهیئت بطلمیوس می شدند و از اینرو متکلمین و روحانیین تخلف از آنها کفر و مشائین مخالف موازین عقلیه مینداشتند، در مذهب اسلام نیز هیئت بطلمیوس کم و بیش خود را نمایش داده بطوریکه در قرآن مجید آسمانها و سیارات هفتگانه را میخوانیم و از همین جهت بود که روحانیون اسلام نیز موافقت با حرکت زمین را نشان نداده اند و حکمای مشاه اسلام نیز تابع همان عقیده بطلمیوس بوده اند .

کپرنیک لهستانی پس از آنکه بی نقص حکمت ارسطو در این موضوع بردود در نظریات و مطالعات بطلمیوس خدشه کرد معتقد بر مرکز بودن آفتاب و حرکت زمین گردید و کتابی تألیف کرد که تا آخر عمر هم از ترس تکفیر متکلمین و روحانیون مسیحی نتوانست آنرا منتشر

کند فقط طبقه منور بقایه او راه بردند .

پس از مرگ کپرنیک بسال ۱۵۴۳ مسیحی ( یعنی ۴۰۵ سال قبل ) در همان سال  
درفر نورمبرگ کتابش بطبع رسید . انتشار کتاب کپرنیک توجه طبقه فاضله را بنفوذ جلب  
کرد ولی چون مؤلفش حیات نداشت چندان صدای برنخواست .

تیکوبراهه ( ۱۵۴۶ - ۱۶۰۱ ) که پس از وی در مسائل فلکیه مطالعه می کرد باز  
معتقد بسکون زمین گردید و موافقتی با عقیده جدید کپرنیک ابراز نداشت ، این شد که نظریه  
کپرنیک در مدارس تدریس نشد .

کپلر شاگرد تیکوبراهه بتأیید کپرنیک قد برافراخت و قوانین حرکات سیارات را تحت  
نظر آورد ولی چون دور تر از مرکز حایت مسیحی یعنی ایتالیا بود جنجال و نزاعی در نگرفت .  
گالیله ایتالیائی حکه معاصر کپلر آلمانی بود و در علم شهرتی بسزا داشت و اصلا  
ایتالیائی و بمذهب کاتولیک تربیت شده بود نیز بحرکت زمین و رویه کپرنیک معتقد گردید .  
پدر گالیله موسیقی دان بود و از خانواده های نجیب ایتالیا بشمار میرفت . گالیله بدستور پدر  
بدواً طب خواند و چون میل بر ریاضیات و علم فلک داشت توجهش معطوف بعلوم دقیقه گردید  
و در شهر «پادو» بتدریس علم نجوم پرداخت .

گالیله در مجلس درس خود سیستم کپرنیک و بنای هیئت او را بر عقیده بطلمیوس ک  
همان مذهب ارسطو بود رجحان داد . این مطلب در شهر پادو موجب اختلاف گردید و چون  
ایتالیا مهد تدین مذهب مسیح ، و روحانیون راقوتی بشمار در آن مملکت بود صداها بر  
مخالفت گالیله برخاست . حکمای مشاء از یکطرف بتخطئه و اظهار دشمنی گالیله قیام کردند  
و روحانیون از طرف دیگر .

گالیله از حکمای زمان خود ترسی نداشت ، و تمام وحشت وی از متکلمین و روحانیون  
بود چه عوام به پیروی آنان بودند ، و موافق کتاب مقدس خود انجیل زمین را ساکن مینداشتند ،  
و آیه بر گرداندن آفتاب برای یوشع بن نون از انجیل میخواندند ، و استدلال بر بطلان عقیده  
گالیله می کردند .

گالیله در سال ۱۶۱۵ شرحی به کسم سیم والی ایالت تسکان از ایالات ایتالی نوشت  
و ثابت نمود که تا حال کتب سماوی را مطابق واقع در موضوع حرکات زمین تفسیر و تعبیر  
نکرده اند ، و حرکات زمین موافق مفاهیم کتب آسمانی است . گالیله این مراسله را بقصود  
جلوگیری از حمله و تعرض روحانیون نوشته بود ولی نتیجه بعکس بخشید ، و چون آنان بچنین  
مکتوبی واقف شدند در شهر رم جنجالی برپا کردند ، و این مطلب را موجب شکست خود و  
مداخله دیگران در امور مذهبی دانستند و در همین سال فوسکارینسی که یکی از مقدسین و  
رهبانان مسیحی بود رساله ای تألیف کرد و در آن هیئت کپرنیک را بسا کتب سماوی تطبیق  
نمود و اظهار داشت که انجیل کتاب علم نیست و برای فهم عامه بعبارتی نزول کرده که ظاهر

آن باعقاد عامه که سکون زمین است و فقه دهد .

در شهر رم حکما و روحانیون دست بهم دادند و فتنه عظیمی بحد گالیله برپا کردند، و عوام بزرگان مذهب را بر او بشویندند. گالیله بشهر رم آمد که شاید بادلایلی چند تطفیفی بدان جنجال دهد ولی استدلالش مفید واقع نشد، بلکه بر حرارت دشمنان افزود، و از محکمه مجازات مرتدین (دیوان جزای مرتدین) حکمی صادر کردند که کتب کپرنیک و فوسکاوینی باطل و پیروان آنها زندیق و مرتد خوانده میشوند و مقصودشان این بود که ارتداد گالیله را مسلم دارند، و چون بر اینی که گالیله بر اثبات حرکت وضعی و انتقالی زمین اقامه نموده بود کاملاً در میان عوام منتشر نشده بود، صریحاً گالیله مورد تکفیر قرار نگرفت، ولی پس از چندی رساله «دپاک گالیله» که در خصوص حرکت زمین تألیف کرده بود در شهر فلورانس سال ۱۶۳۲ منتشر گردید که در آنجا صریحاً ترجمه عقیده کپرنیک را بر بطلیوس داده بود، چون این رساله منتشر شد دیگر جای تردید ماند سابق برای علمای مذهب باقی نماند و این مرتبه هیجان غریبی کردند، و در شهر رم حکم ارتداد او را اورین هشتم باب ابطالیائی در ۲۰ ژوئن ۱۶۳۳ صادر کرد و نوشت که: «مؤلف دپاک مرتد است و باید تا ابد در محبس شرعی حبس گردد.» در این وقت گالیله مکه محکوم که هفتاد سال از عمرش گذشته و ضعف و ناتوانی بر وی غلبه کرده و زجر و تعب دیده بود ناچار شد بتلقین دیگران توبه کند، و بکتاب انجیل سوگند یاد نماید که از عقیده خود راجع به حرکت زمین برگشته است و دیگر اظهار چنین عقیده نکند چه میدانست که اگر توبه ندهد بایستی بمحبس جان سپارد. خلاصه در روز ۳۲ ژوئن ۱۶۳۳ مسیحی مجلس بزرگی در کلیسای «میزور» شهر رم برپا کردند و روحانیون حضور بهم رسانیده انجیل را بر وی میز مجلی گذاردند و هر یک از اعضا در محلی قرار گرفته، و مأمورین نظم بجای خود ایستادند. در این وقت پیرمردی ضعیف یعنی گالیله را حاضر ساختند و در مقابل میز بکه انجیل بر آن قرار داشت با کمال خضوع و یرا بزبانوی ادب در آوردند.

اینک گالیله برای توبه پای میز حاضر شده است، حضار و مستمعین گوش فرا میدهند، ملا نماها از فتح و غلبه خود خوشنود هستند، حسودان مسرورند که مردی محترم را از پای در آورده اند، عوام و جهال حکه همیشه مانند گوسفند تابع هر صدا بدون تحقیق میشوند گردنها کشیده منتظر هستند که چه پیش آید. گالیله که در نظر مانند مجرمی در محکمه جزا دیده میشود با نهایت وقار و طمأنینه توبه نامه ذیل را میخواند، و پس از خواندن امضاء میکند:

### هتن توبه نامه گالیله

«منکه گالیله گالیله هستم و پدرم و نسن گالیله فلورانس است، و عمرم به هفتاد سال رسیده است، در محکمه شرع بجهت اقرار و توبه بزبان آورده ام، و در حضور بزرگان مذهب و رؤسای محکمه حدود شرعی مرتدین کتاب مقدس انجیل را که در حضورم گذارده اند زیارت کرده بدو دست خود مس میکنم و قسم میخورم که هماره معتقد بقایید و نصایح او امر علمای مذهب کاتولیک

و حواریون شهر «رمه» بوده و باشم و چون آن بزرگواران سابقاً مرانهی کرده بودند از اظهار نظر در حرکت زمین و ترك آن مذهب باطل و من رساله در اثبات آن موضوع حاوی اقوال دیگران تألیف نمودم که موجب سوء تفاهمی گردیده که شاید من خود معتقد بحرکت زمین باشم، من متهم شدم و مرتد خوانده شدم. اینست که برای رفع اتهام از خود و سوء ظنی که شما بزرگواران عالی‌بقام (گالیله اشاره باعضای محکمه کرده) در حق این ضعیف برده اید و برای اینکه اگر جرمی دارم عفو کنید با کمال صداقت بی شائبه و توریه و ریا توبه میکنم، و نفرت میجویم از اعتقاد باطل و سخیفی که راجع بحرکت زمین داشتم. و سوگند یاد میکنم که بعد از این مطلبی که مخالفت با موازین شرعیه داشته باشد نگویم و ننویسم، و اگر کسی را نیز بشناسم که پیرو این عقیده است هر کجا باشد بنمایند گان آقایان او را معرفی کنم، و سوگند یاد میکنم که تخلف نکنم و اگر خدای ناخواسته مخالفت نمایم و نقض تمهد خود کنم مستحق عقوبات و مصائب گوناگون باشم و کتاب انجیل را بدو دست خود مس کرده و آنرا حافظ خود میطلبم».

امضاء: منكه گالیلهو گالیله هشتم توبه کردم، توبه نامه را در معبد میثرو شهر رم روز ۲۲ ژوئن سال ۱۶۳۳ عیسوی کلمه بکلمه خوانده و بدست خود امضاء نمودم (گالیله).

گالیله پس از آنکه قسم یاد و توبه نامه را امضاء کرد میگویند با بر زمین کوفت و بزمن خطاب کرده و با صدای خفی و آهسته گفت: «با تمام این حرفها تو میگردی و ساکن نیستی» آری مسائل علمیه و مطالب عقیده را هیچگاه بقسم و توبه نتوان از عالمی سلب کرد، هیچوقت صدور حکم شرعی یا عرفی بر بطلان دلیل علمی یا محاسبه ریاضی حجت نمیتواند باشد، رای پاپ اوربن هشتم نمیتوانست حقیقتی را تغییر دهد، لابد بزور آرزو مردم محترمی مانند گالیله را وادار کردند تا از ترس جان توبه کند و ظاهراً از گفته خود عدول نماید ولی در حقیقت و نفس الامر بهیچوجه آن حکم مؤثر نبود. زمین پاپ و محکمه و اعضای آن و گالیله را در عین حال که قسم باقرار بسکونش میدادند میگردانید و میگرداند و چیزی نگذشت که در همان شهر رم در همان معبدی که گالیله را قسم دادند روحانیون مسیحی اعلامیه ای مبنی بر صحت مذهب کپرنیک و تصدیق بحرکت زمین و تأیید قول گالیله منتشر کردند.

## گل و سبزه

زان سبزه که بر عارض تو خواسته شد  
تا ظن نبری که حسن تو گاسته شد  
در باغ رخت بهر تماشای دلم  
گل بود و سبزه نیز آراسته شد  
عمق نجاری - قرن ششم